

معرفی های اجمالی

محمد تقی شیرازی، حاشیه‌المکاسب از مرحوم سید یزدی، حاشیه‌المکاسب از مرحوم شیخ محمد حسین اصفهانی، حاشیه‌المکاسب مرحوم ایروانی، هدایة الطالب از مرحوم شهیدی، مصباح الفقاهة آیت الله خوئی، مکاسب المحرمة و کتاب البیع از امام خمینی و ارشاد الطالب از آیت الله تبریزی.

مقایسه هر کدام از این کتاب‌ها و روش فقهی و نقاط قوت و ضعف هر یک از حوصله این معرفی اجمالی خارج است. ما اینک تنها به معرفی مکاسب امام خمینی می‌پردازیم که در عین تألیف مستقل بودن حاشیه‌ای بر مکاسب به شمار می‌رود.

یکی از ویژگی‌های مهم آثار امام خمینی آن است که همه آنها به قلم مبارک خود اوست و آنچه در این کتاب‌ها آمده است، واقعاً اندیشه و آرای خود اوست؛ ولی بعضی از کتاب‌های تقریرات، آنچه را به استاد نسبت می‌دهند بدور از واقعیت و ساحت کلام استاد است، آن گونه که قبلاً تناقضی آشکار از این گونه تقریرات نویسی‌ها را در همین بخش از مجله وزین آینه پژوهش تذکر دادم.

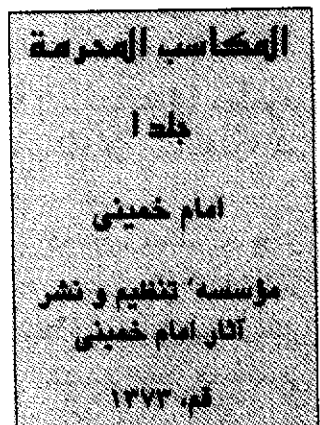
نکته دیگر آن است که حضرت آیت الله خوئی و بسیاری از فقهای دیگر در هر مسأله‌ای که عنوان می‌کنند، به همان سبک و روش شیخ بحث را عنوان کرده و پس از توضیح کلمات شیخ اعظم به نقد و بررسی آنها پرداخته و پس از جمع بندی نظر مبارک خود را بیان می‌کنند، ولی امام خمینی به جای پرداختن به

المکاسب المعرمة، ج ۱، امام خمینی، گروه محققان، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، قم، ۱۳۷۳ ش، ۳۴+۳۹۴ ص.

مهم ترین کتاب فقه استدلالی حوزه‌های علمی شیعه و بلکه جهان اسلام کتاب مکاسب شیخ اعظم انصاری است. این کتاب با آنکه همه مباحث مربوط به معاملات و حتی خرید و فروش را به صورت کامل ندارد، اما به جهت آنکه

طرحی نو در فقه استدلالی است، کتاب درسی سطوح عالی حوزه و بلکه محور اصلی قریب به اتفاق درس‌های خارج فقه کتاب البیع قرار گرفته است. نگارنده گرچه روش متداول کنونی تدریس مکاسب را قبول ندارد، ولی این کتاب را از بهترین و تحقیقی ترین کتاب‌های درسی حوزه می‌داند.

از زمان تألیف کتاب مکاسب، شاگردان شیخ اعظم با نوشتن حاشیه بر آن، به تحلیل و تفسیر و نقد آرای شیخ پرداختند. برخی از مجتهدان بزرگ نیز به تدریس آن پرداخته و شاگردانشان آن درس‌ها را به صورت تقریرات به رشته تحریر درآورده و کتاب‌های متعدد و باارزشی را در موضوع مکاسب پدید آوردند. برخی از این آثار عبارتند از: حاشیه مکاسب از آیت الله



کنند، اما آنان که از فهم مطالب شیخ فارغ شده و به دنبال تحقیق و تعمق در مسائل خصوصاً با روش جدیدند، بهتر است به این کتاب امام رجوع کنند.

۳. حضرت امام در بسیاری از مباحث این کتاب به نظرات اصولی خود اشاره می‌کند و علاوه بر بیان پیوند فقه با اصول و روش رد فروع بر اصول برای خواننده بخوبی روشن می‌کند که چگونه فقه مبتنی بر اصول بوده و بیگانه از آن نیست، آن گونه که برخی تصور کرده‌اند. وی در عین حال از تکرار مباحث اصولی در کتاب فقهی جلوگیری می‌کند.

۴. حضرت امام معمولاً از نقل قول با واسطه پرهیز داشته و تلاش می‌نماید که برای هر سخنی به منبع اصلی آن رجوع نماید. در ص ۳۴ اظهار تأسف می‌کند که کتاب سرائر را ندارم تا به آن مراجعه کنم. (امروزه برخی از گرانی قیمت کتاب شکوه دارند، در حالی که در قدیم گاهی قیمت یک کتاب با قیمت یک منزل برابر بوده است، استاد بزرگوارم حضرت آیت الله شیخ حسن تهرانی دام ظلّه فرمود: وقتی متوجه شدم که حضرت امام کتاب سرائر را ندارد یک جلد کتاب سرائر برای ایشان به قیمت ۱۵ تومان خریده و به ایشان تقدیم کردم و در همان زمان منزل خود را در باغ پنبه به ۱۶ تومان خریدم.)

۵. بحث‌های رجالی متعددی در این کتاب آمده است مثل ص ۶۸، ۴۰۲، ... در حالی که معمولاً شیخ انصاری در کتاب مکاسب به مباحث رجالی نمی‌پردازد.

۶. توجه کامل به اختلاف نسخه روایات، خصوصاً آنچه دخیل در اختلاف فتوی باشد، مثل ص ۷۶، ۷۴، ۹۹، ۳۹۳.

۷. توجه به تصحیفات روایات، مثل ص ۴۸۴.

۸. توجه به مسائل سیاسی و تفکیک روایاتی که احکام سیاسی را بیان می‌کنند؛ مثل در ص ۴۲۵ می‌فرماید در حدیث آمده است: کسی که به جماعت مسلمین حاضر نمی‌شود غیبت او مجاز است. امام خمینی می‌فرماید این حکم حکم سیاسی است، زیرا اعراض از جماعت مسلمین در عصر نبی(ص) در واقع اعراض از والی مسلمین و مظنه توطئه بر ضد اسلام است و در چنین موردی لازم است مسلمانان به هر طریق ممکن با شخص متخلف برخورد کنند.

۹. در ص ۴۸۱ می‌فرماید: کتاب مصباح الشریعه ارزش و اعتبار حدیثی ندارد و بلکه بعید نیست که ساخته دست بعضی از علما باشد. این در حالی است که حضرت امام در آثار اخلاقی و عرفانی خود فراوان به این حدیث استناد کرده است. اینها تناقض یا نهافتی با یکدیگر ندارند، زیرا ملاک ارزیابی حدیث فقهی چیز است و ملاک برای حدیث اخلاقی چیز دیگر است.

عبارت‌های شیخ به دنبال طرح جدید هر مسأله است و تلاش می‌کند خود دلیل‌های جدیدی برای مسأله -خارج از آنچه در کلمات شیخ آمده است- یافته و ورود و خروج خود را در مسأله به سبک جدیدی عنوان کند. از این جهت شاید بتوان گفت روش ایشان مشابه روش مرحوم ایروانی در حاشیه مکاسب و کاملاً برخلاف روش مرحوم مامقانی است.

با توجه به آنچه گذشت اهمیت مطالعه و تحقیق آثار امام خمینی روشن می‌شود، علاوه بر آنکه هر کدام از آثار ایشان در موضوع خود از بهترین کتاب‌ها به شمار می‌روند، جامعیت امام در علوم مختلف عقلی و نقلی و ظاهری و باطنی در تک‌تک آثار ایشان آشکار است و خود دید جامعی به خواننده خود نیز ارائه می‌دهد، در عین آنکه همیشه تلاش دارد فقه را آمیخته با فلسفه و علوم عقلی ننماید. ضمن آنکه مستدل و برهانی بودن آثار امام خمینی یک فکر منسجم و منطقی به خواننده داده و او را از اعوجاج فکری برحذر می‌دارد. به هر حال بحث از روش خاص فقهی حضرت امام خود مقالی مفصل و مقاله‌ای بلند دامن را می‌طلبد.

یکی از آثار امام خمینی کتاب «المکاسب المحرمه» است که به ترتیب مباحث کتاب مکاسب شیخ انصاری به بحث از معاملات حرام پرداخته است. مکاسب امام خمینی قبلاً در هفت مجلد چاپ شده بود (۲ جلد مکاسب محرمه، ۳ جلد کتاب البیع، و ۲ جلد خیارات، گرچه خیارات آن نیز قبلاً به اسم کتاب البیع چاپ شده است) و اکنون جلد اول این کتاب با تصحیح و تحقیق جدید چاپ و منتشر شده است.

برای آشنایی بیشتر با این کتاب بعضی از نکته‌های مهم آن را ذیلاً بیان می‌کنیم:

۱. هیچ فقیهی نمی‌تواند بدون توجه به آثار گذشتگان به فتوی دادن در مباحث فقهی بپردازد، اما تفصیل زیاد و افراط در نقل قول نیز حاصلی جز ضایع کردن عمر ندارد. مرحوم آیت الله شیخ مرتضی حائری به من فرمود: درس کسی بروید که عمرتان را در قیل و قال تلف نکند. یکی از ویژگی‌های همه آثار امام خمینی و من جمله کتاب مکاسب محرمه همین است که عمر خواننده را در قیل و قال تلف نکرده و سطر به سطر آن مطلب و حرف جدید دارد، و خود در ص ۳۸۰ این کتاب فرموده: تفصیل و بحث زیاد در بعضی مسائل که از واضحاتند، تزییع عمر است.

۲. امام خمینی دقیقاً تابع ترتیب و روش بحث شیخ انصاری نیست، و لذا کسانی که به دنبال فهم مطالب کتاب مکاسب هستند، بهتر است به تقریرات یا حواشی دیگر مکاسب رجوع

۱۰. بعضی از افرادی که گویا اختیار ثواب و عقاید الهی به دست آنان بوده، اصرار دارند بگویند غیر از شیعیان اثناعشری، پیروان همه ادیان و مذاهب دیگر اهل جهنم و مخلّد در آن می‌باشند. اینان استحقاق عذاب را با فعلیت آن اشتباه کرده‌اند، و چه بسا که کسی مستحق عذاب باشد اما گرفتار عذاب نشود. ثانیاً نمی‌توان گفت همه کفار و غیر مسلمانان و بلکه غیر از شیعیان همه مستحق عذابند، زیرا همچنان که امام فرموده است (ص ۲۰۰): کفار مکلف به اصول و فروع و معاقب بر آن هستند، اما اکثریت قریب به اتفاق آنان جاهل قاصرند نه مقصر، زیرا عوام آنان روشن است که جاهل قاصرند و طوری یقین به صحت دین و مذهب خود و بطلان ادیان و مذاهب دیگر دارند که حتی احتمال خلاف آن را نمی‌دهند و کسی که قاطع باشد در پیروی از قطع خود معذور است و عاصی شمرده نمی‌شود و نمی‌توان او را عقاب نمود. اما علمای آنان نیز چون یقین به صحت دین خود و بطلان ادیان دیگر و استدلال‌های آنان دارند، هرگز احتمال خلاف نمی‌دهند، زیرا در محیط غیر اسلامی بزرگ شده‌اند پس آنان نیز جاهل قاصرند. پس کفار معاقب بر اصول و فروع هستند، به شرط آنکه حجت بر آنان تمام شده و قاصر نباشند.

البته این استدلال امام خمینی جای تأمل دارد گرچه اصل مدعای ایشان صحیح است و اما تصحیح کتاب: «فرزانه‌های کتب معتبره» این کتاب توسط محققان مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی بر اساس نسخه خطی اصل که به خط مبارک امام خمینی است و نیز با مقابله با نسخه چاپی چاپخانه مهر سال ۱۳۸۱ قمری که با پاورقی حضرت آیت الله آقای شیخ مجتبی تهرانی است، بدقت تصحیح گردیده است، گرچه مقابله چند صفحه‌ای از خط امام که تصویر آن در مقدمه آمده است با متن اندک تفاوت‌هایی را نشان می‌دهد.

در این تصحیح کلمات بزرگان و بلکه هر کلامی که مورد استناد یا استشهاد قرار گرفته است به منابع اصلی آن در پاورقی ارجاع داده شده است. حتی آنچه به صورت مجهول در کلام امام آمده است گوینده آن در پاورقی مشخص شده است. ضمن بیان نشانی همه روایات متن به کتاب‌های روایی معتبر، هر روایتی که سندش خدشه‌ای داشته است، در پایین صفحات علت ضعف بیان شده است.

مقدمه بیست صفحه‌ای آقای سید محمد هاشمی که به بحث از روش فقهی امام پرداخته است و فهرست تفصیلی پایان کتاب از دیگر امتیازات این چاپ است.

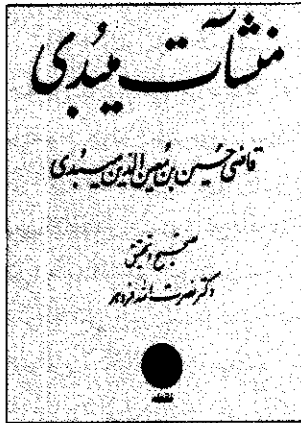
امید است شش جلد باقی مانده کتاب نیز هر چه زودتر با

همین تصحیح و بلکه بهتر از آن، هر چه زودتر تکمیل و چاپ و در اختیار علاقمندان قرار گیرد.

احمد هابدی

منشآت میدی. قاضی حسین بن معین الدین میدی، تصحیح و تحقیق

دکتر نصرت‌الله فروهر. نشر میراث مکتوب، ۱۳۷۶، ۳۲۶ص.



نامه‌هایی که از معارف گذشته باقی مانده به لحاظ‌های مختلف ادبی و اجتماعی می‌تواند قابل بررسی و نگرش باشد، از آن جمله در زبان فارسی از مکتوبات عین القضاة؛

مکاتیب غزالی؛ مکتوب قطب محیی؛ نامه‌های مولوی... می‌توان نام برد. قاضی کمال الدین امیرحسین یزدی از فضیلت برجسته ایران در قرن نهم است که به شغل قضاوت در یزد مشغول بوده و تألیفات ارزشمندی در ادبیات و علوم عقلی است (شرح کافی؛ شرح هدایه؛ شرح طوابع؛ شرح شمسیه؛ شرح دیوان منسوب به حضرت علی-ع). او از شاگردان ملا جلال دوانی بوده و در نظم «منطقی» تخلص می‌نموده و علی الاقوی در سال ۹۰۹ هـ. ق یا ۹۱۱ هـ. ق در جریان سنی کشی‌های شاه اسماعیل صفوی به قتل رسیده است (صفحات ۱۶-۱۹ مقدمه).

در این مجموعه یک نامه هست خطاب به یکی از سلاطین مشهور که بی‌باکانه از لشکریان او و نظام مدیریتش انتقاد شده است و وضع آن روزگار را بخوبی نشان می‌دهد: «ثواب آن عالیجناب با زیردستان در نهایت ظلم و عدوان معامله می‌نمایند اولاً با مزارعان که با وجود که تمامی حاصل محصول خود را به محصل می‌سپارند به انواع مطالبات دیگر ایشان را تعدیب و تعین می‌فرمایند... طایفه طایفه فرار را بر قرار اختیار می‌نمایند (ص ۲۳۰) «تجار را در آن بلاد گذار میسر نیست، رونده و متردد را قرار مقدرنی». سببش این بود که اجناس وارده را به عنوان حکومت خریداری و از دادن بهای آن خودداری می‌نمودند و معترض را به چوب می‌بستند (ص ۲۳۱). همچنین بازاریان و حتی خانه‌نشینان در فشار و آزار بودند (ص ۲۳۲) و از همه بدتر «لشکریان... بر مال و منال و اهل و عیال مسلمانان دست درازی و سرفرازی می‌دادند» (ص ۲۳۲) سادات هم مورد ستم واقع

بسیار رقیق القلب بوده و تا تاریخ نوشتن آن نامه حکم قتل صادر نکرده بوده است (ص ۱۵۷).

فساد مالی شدید در آن روزگار به این شرح بیان شده است: «اوقاف به ضبط است و اکثر موقوفات به تصرف متغلبه است یا به ملکیت یا به اجاره طولی ... و اگر قاضی با فرق ثلاثه متفق است، می گویند مردی نیک است و او را هم از اوقاف زهرماری می دهند و اگر مخالف است، به هر طریق که می توانند دفع او می کنند.» (ص ۱۷۳). در اینجا نکته ای به نظر می آید که از آن همه اوقاف که طی قرن ها به صیغه شرعی صحیح صورت گرفته، چه باقی مانده است؟ جز اینکه دزدان موجه همه را خورده اند.

بعضی نامه ها به عربی است و در یک نامه تماماً از آیات قرآنی استفاده کرده که نشان می دهد قاضی ادیبی کامل و حافظ قرآن بوده است. تمثیل او به اشعار فارسی خصوصاً اشعار حافظ شیرازی، ذوق عرفانی و علاقه خاص قاضی را به این شاعر عارف و آزاده منش می رساند.

در پایان ضمن آنکه از انتشار این گونه کتب و نیز چاپ و صحافی آن رضایت حاصل است، به نمونه ای از موارد جزئی اشتباه که برخورد شد، اشاره می نمایم. این عبارت را بخوانید: «اهل فضل و کمال، غراته کش جهان؛ مساجد و معابد، بیت اللطف و خانه خمّار؛ و مدارس و خواناتق، اصطبل ترکان و اشرار؛ مرکز از سلاطین که از ربنه اسلام دور و از نور ایمان مهجور بوده اند، شمه ای از این امور ظاهر نگردیده فکیف در دیاری که دعوی اسلام نمایند ذره ای از این دیده باشند.» (ص ۲۳۳). در توضیح «غراته کش» نوشته اند «شاید غرابه و به معنی ابله و نادان ...». در حالی که واضح است «غرابه کش» به معنی حمل کننده ظرف بزرگ شراب است چنان که حافظ گوید:

حافظ غرابه کش شد و مفتی پیاله نوش

در اینجا فعلاً مجال این بحث نیست که «غرابه» درست است یا «قرابه». ضمناً در عبارت منقوله، «مرکز» غلط و «هرگز» صحیح است. و معنی عبارت روشن است.

در صفحه ۴۷ س ۳ نیز «من لدنکم» مرجوح و شاید «من لدیکم» ارجح باشد. توفیق ناشر و محقق محترم را خواهانیم.

علیرضا ذکاتونی قراقرلو

می شدند. در اینجا قاضی به دو روایت و یک آیه (ص ۲۳۳) در تکریم خاندان علی (ع) اشاره می نماید که دوستداری او را نسبت به اهل بیت نشان می دهد و قتل او را به تعصب بی وجه می نمایاند.

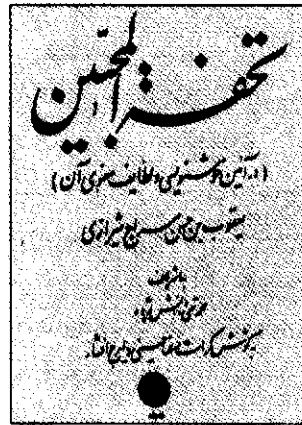
قاضی میبیدی مردی عارف مسلک بود و مدعی وارستگی است و حتی پذیرفتن شغل قضا را نوعی انجام وظیفه شرعی، و اینکه در این مقام متعین است به حساب گذاشته و در صدد استعفا و کنار رفتن بوده است تا به کار تألیف و تصنیف پردازد. البته دشمنانی هم داشت که علیه او سعایت می نموده اند و او در بعضی نامه ها از خود دفاع کرده است (ص ۲۶-۲۸ مقدمه).

مخالفتان قاضی حتی او را تکفیر کردند و بدو نسبت دادند که عقاید فلسفی دارد و باورهای دینیش مخدوش است. او در نامه مفصلی، از بسیاری عالمان و عارفان که مورد تکفیر واقع شدند، نام می برد و از جنید نقل می کند که «لایبلغ العبد درج الحقیقه حتی یشهد علیه الف صدیق بانه زندق» (ص ۱۹۸). در همین نامه است که از قتل عین القضا به عداوت ابوالقاسم استرآبادی (صحیح: اسدآبادی) یاد می کند (ص ۲۰۱). جالب است خود محمد غزالی را که شخصاً از تکفیر کنندگان دیگران بوده است، طبق نقل میبیدی از شرح مقاصد به نفی حشر اجسام متهم کرده است (ص ۲۰۱). بدیهی است وقتی موج قشریگری برخاست به احدی ابقاء نمی کند و به همه می رسد.

در یک نامه بسیار پراهمیت انتقادات اجتماعی قاضی میبیدی به چشم می خورد و معلوم می شود قتل او فی الواقع نه به سبب عقاید مدرسی بلکه شاید به سبب موضع گیری های مردمی و عدالت خواهانه او بوده است، شبیه آنچه درباره عین القضا رخ داد. «مطلق ظلمه و فسقه دشمن منند، بعضی به تعزیر یا حد متأذی شده اند و بعضی خوف ایذا دارند، و متولیان و متصرفان اوقاف و مرتزقه که به حق خود قانع نیستند، خصومت تام می ورزند و اهل حسد هم بسیار و بی شمارند» (ص ۱۶۴). و نیز «اشرار یزد آن زمان از من راضی شوند که با ایشان موافقت کنم، و چون این نقش صورت نمی بندد، پیوسته با من عداوت و خصومت می ورزند و هر چند که من تنزل و تحمل بیشتر می کنم ایشان انگیز فتنه و فساد بیشتتری می کنند» (ص ۱۵۵-۱۵۶). و از احتیاط شدید خود یاد می کند: «دل من در معظم احکام، مطمئن نیست و در اکثر مرافعات میل به تصالح می کنم و اگر تصالح میسر نشد ... تصور می کنم که در آبی مستغرق شده ام و نفس من گرفته ...» (ص ۱۵۶). قاضی

تحفة المحبین، یعقوب بن حسن سراج شیرازی. به کوشش کرامت

رهنما حسینی و ایرج افشار، نشر میراث مکتوب، ۱۳۷۶، ۳۶۷ص.



در بارهٔ انواع هنر و فلسفهٔ هنر در آثار فارسی قدیم کتاب‌های معدودی موجود است که از آن تعداد محدود هم تنها بعضی به چاپ رسیده و مطالعهٔ عمقی و علمی در هنر ایرانی و اسلامی جز با انتشار کامل متون مربوط

ممکن نخواهد بود. یکی از این کتاب‌ها که به طرز شایسته‌ای تحت اشراف مرحوم استاد محمد تقی دانش پژوه - کتابشناس بزرگ - به طبع رسیده، *تحفة المحبین* است در آیین خوشنویسی و لطایف معنوی آن.

مؤلف کتاب یعقوب بن حسن شیرازی از نوادگان عارف معروف روزبهان بقلی است و خود دارای ذوق شعری و عرفانی فوق‌العاده بوده، به طوری که شکل حروف را به عنوان نمادهای امور معنوی در نظر می‌گیرد و بعد از رابطهٔ اعداد و حروف که در فلسفهٔ اخوان الصفا و اسماعیلیه و حروفیه و دیگر مذاهب باطنی مورد توجه قرار گرفته، اینک با نمادشناسی حروف از جهت شکل در این کتاب مواجه می‌شویم. کسانی که هنرهای تزئینی و تجسمی را مطالعه می‌کنند در این کتاب منبع بکری برای تحقیقات خود خواهند یافت.

تألیف کتاب به سال ۸۵۸ در هند صورت گرفته و آن همزمان است با رشد هنر در حوزه‌های ایران و عثمانی و همچنین اوج هنر هرات. در همین دوره است که خط نستعلیق اختراع شده و شاهکارهای معماری همچون مسجد گوهرشاد پدید می‌آید. شعر فارسی هم در این عصر دارد وارد مکتب وقوع می‌شود و به سوی پیدایش سبک معروف به هند سیر می‌نماید. سیر تصوف نیز سلطهٔ بی‌چون و چرای مکتب محی‌الدین را در اندیشهٔ عارفان نشان می‌دهد و درست در همین زمان است که جامی شروع خود را بر ابن عربی و ابن فارض و عراقی می‌نویسد و شمس مغربی اشعار وحدت وجودی خود را می‌سراید. پس عجب نیست اگر یعقوب بن حسن سراج شیرازی در نقوش حروف معنویت ببیند و خط را اشرف صنایع بنامد.

در اینجا نکته‌ای هست که میان فرمالیسم محض و معنی‌گرایی در هنر آن فاصلهٔ غیر قابل عبور که می‌پندارند،

وجود ندارد؛ بلکه در فرمالیسم هم معنی ملحوظ است، ولی لازم نیست که معنی تنها با الفاظ بیان شود. آهنگساز با آهنگ و به آهنگ می‌اندیشد و معمار و مجسمه‌ساز با اشکال و به اشکال می‌اندیشد و خوشنویس و تهذیب‌کار به ظرایف جادوگری‌های قلم. مضاف بر این که در هنر خوشنویسی معانی الفاظی هم که به قلم می‌آید مورد توجه است؛ مثلاً آنکه قرآنی می‌نویسد یا تذهیب می‌کند، قصدش نوعی عبادت است و آنکه گلستان سعدی یا غزلیات حافظ را با خط و تذهیب آرآید و پیرایه می‌بندد مضامین آنها را همواره در نظر دارد.

مؤلف تمام ابزار نوشتن را عاشقانه و شاعرانه می‌ستاید:
* قلم اسکندری است که از برای آب حیات عزیمت ظلمات کرده (ص ۷۱).

* قلم شمعی است که روشنایی او به هر جمع رسید (ص ۷۱).

* قلم صبحی است صادق در سیاهی (ص ۷۲).

* قلم عاشقی است راست قدم که بهر دستبوس یار پای از سر ساخته، با هر شکستگی که دارد کمر بسته (ص ۷۲).

* قلم غواصی است که از بحر هندوستان دوات به یک قطره صدفی برآرد که صد در مکنون از آن نظم توان کرد (ص ۷۳).

* قلم واسطه‌ای است میان عاشق و معشوق و طالب و مطلوب (ص ۷۴).

* قلم عمودی است از نور یا داودی است خوانندهٔ زیور، اگر چه برهنه است و عور اما مقرب شاه و دستور (ص ۷۷).

و اما کاغذ (ص ۱۰۸) و مرکب (ص ۹۵ به بعد) و دیگر ابزار خطاطی و کتابت توصیفات خاص خود را دارد.

به نظر مؤلف - و دیگر اندیشمندان آن عصر - خط منشأش وحی است.

دلا به دیدهٔ معنی نگاه کن در خط
که برق وحی درخشید و شد مصور خط
از آسمان هدایت چو تاخت نور قدیم
ظهور یافته قرآن و گشته مظهر خط (۱۱۶)
و اما عشق‌بازی‌های مؤلف با حروف، خیلی تماشا دارد. او آشنای کرشمهٔ هر یک از حروف و علامات است:

* الف سرو مثال ... در بساتین کتب و حدایق اوراق در غایت رعنائی و نهایت جلوه‌گری است (ص ۱۴۸).

* ب شکوفهٔ بهار بهاء و بهجت است (ص ۱۵۰).

* ت تارک ترکیب را تاج آمده (ص ۱۵۰).

* ث ثنای ذلت ... از او رقم اثبات می‌پذیرد (ص ۱۵۱).

* ج چهره‌گشای جمال دلبران ... و نمونهٔ چین زلف

* م منشور پرنور مهر سپهر به مهر نگین او توضیح یافته (ص ۱۶۴).

* ن صدر سورۀ ن والقلم و ما یسطرون (ص ۱۶۷).
* و در موارد وجود اظهار جود نموده و با کمال یگانگی از افق وحدت چهره طلوع گشوده (ص ۱۶۹).

* ه طایر همتش در فضای وجه «هو» به های هویت پرواز می کند و همای هستی او از اوج «هو الاول و الآخر و الظاهر و الباطن» جناح افضال بر ساکنان عالم امکان گسترده، ماصدق: هر چه خسواهی یگوی هایها هو لیس ما فی الوجود الا هو (ص ۱۷۰)

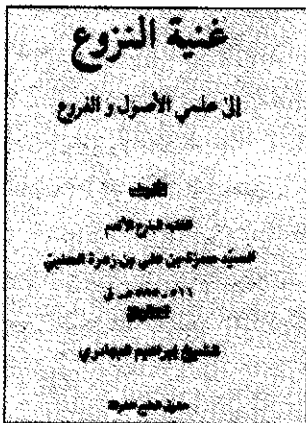
* ی عاقل کامل باید که از فواید و برکات آن محروم نماند و ندای جان فدای «ویقی وجه ربک ذوالجلال و الاکرام» به مسامع سروش هوش می رساند. (ص ۱۷۳).

مصححان و محققان کتاب که حقاً اهل فن هستند، برای مزید فایده، فهرس متعدد اشعار و آیات و اصطلاحات و اشخاص و کتابها تهیه کرده اند که خصوصاً برای مراجعات بسیار مفید است؛ چون بعض عبارات کتاب که به نشر منشیانه تکلف آمیز نوشته شده چنان مبهم است که خواننده به نظر اول نکات و فواید آن را در نمی یابد و کاربرد اصطلاحی را با کاربرد علمی فرق نمی گذارد.

در این کتاب فصلی درباره مرکب سازی هست که بسیار جالب و مفید است و برای مطالعه صنایع قدیم نیز بکار می آید (ص ۹۵ به بعد).

علیرضا ذکاوتی قراگزلو

غنية النزوع علمي الاصول والفروع. السيد ابوالمكارم حمزة بن علي بن



زهرة الحسيني الحلبي (م ۵۸۵ق.). تحقیق: ابراهیم البهاری. چاپ اول: قم، مؤسسه الامام الصادق، ۱۴۱۷ و ۱۴۱۸ ق. ۲: ۲۷۶+۴۹۶ ص، وزیری.

پس از آنکه استنباط و بیان احکام حلال و حرام بر عهده فقها قرار گرفت، سیر تالیف و تدوین کتاب های فقهی

آهنگی پرشتاب یافت. این کتاب ها در آغاز بر مبنای نصوص احادیث به نگارش درمی آمدند و از ابداع رأی تهی بودند. شرایع ابن بابویه قمی (م ۳۲۹ق) و مؤنّس شیخ صدوق

پریوشان (ص ۱۵۱).

* ح سر حلقه حسن دلبران صورت اوست (ص ۱۵۲).

* خ از مطلع خلد چون برآید چه نکوست (ص ۱۵۲).

* د دیباچه دولت دیدار (ص ۱۵۲).

* ر زلال راح معانی و اوصاف ریحانی (ص ۱۵۲).

* ز زیبایی روی زهره زهرا بر وجه سما از زینت خلقت

اوست (ص ۱۵۴).

* س سعود سماوی ... از جبین او می نمایند (ص ۱۵۴).

* ش در مشهد شهود عین مقصود است (ص ۱۵۶).

* ص تا صبح خط مطلع شده و صیاد دهر آهوصفتان حروف

را به حرکت تصویر درآورده چنان غزالی بادامی چشم بسته دهان

در مرغزار کتب و حدایق نسخ به کمند هیچ صاحب نظر نیامده

(ص ۱۵۶).

* ض ضامن اسرار ضمائر است (ص ۱۵۷).

* ط نیر درخشان طلعت رخشان از مطلع طلب وافی طریق

طالع است، صورتش نمودار طره طرب و معنی اش مستجمع

فواید علم و ادب (ص ۱۵۷).

* ظ ظ کوب عالم افروز ظهورش از مشرق ظرافت و ظفر

تابان است (ص ۱۵۸).

* ع ... از مفهوم او خورشید منیر شعاع اتساع بر ساحت فهم

مستفیدان می اندازد (ص ۱۵۹).

* غ در ضمیر محاسبان بسیار دامن به هزار مرتبه در حساب و

شمار می آید. مصدوقه:

حسنت یکی هزار شد از خال پیش چشم

بر عین نقطه ای چو فزودی هزار شد (ص ۱۶۱).

* ف فهرست مجموعه فواید و دیباچه دیوان فضایل و فراید

است و چون فؤاد در میان اهل وفا و چون قاب در قالب ارباب

صفا (ص ۱۶۱).

* ق از فراز قصر قبه خضرا و مصحوب قوافل سخنان آسمان

فرسا عزم نشیمن مرغان سخندان کرده تا معنی «قوة القلوب من

صحة الايمان» و صورت «قيمة المرء ما يحسنه» روشن گرداند

(ص ۱۶۲-۱۶۳).

* ک در کلام ملک علام به مرتبه اول از مراتب «کُن» جامع

کنوز آمده و کوب اقبالش تا از افق کمال طالع شده گاهی در بیان

حدیث «کمال العلم فی الحلم» ید بیضا نموده و گاهی در تیبیه

معانی «کمال الجود الاعتذار منه» ابواب کرم گشوده

(ص ۱۶۳-۱۶۴).

* ل سواد آن نمونه خطوط مسلسل زلف مشکین است بر

بیاض روی حوریان (ص ۱۶۴).

مرحوم ابن زهره در قسمت اصول فقه به بررسی مباحث لفظی و ادله عقلی می‌پردازد. او اقسام خطاب، احکام امر، نهی، عموم و خصوص، فرق بین تخصیص و نسخ، مجمل و مبین، احکام نسخ، حکم خبر واحد و متواتر، و جالب آنکه حجیت خبر واحد را نمی‌پذیرد و ادله مثبتین را رد می‌کند. احکام اجماع، قیاس و پاسخ به دلایل مثبتین آن و استصحاب حال را به طور گسترده بحث می‌کند و نکته‌ای را فروگذار نکرده است.

بخش فقه این کتاب معروف تر از آن است که از آن سخن رود. این قسمت - که یک دوره فقه کامل استدلالی از طهارت تا دیات است - با استفاده از کتاب و سنت پیامبر و احادیث ائمه طاهرين و اجماع به استدلال می‌پردازد. ویژگی‌های این فصل عبارت است از:

۱. استناد بسیار به آیات قرآن کریم، که نزدیک به ۲۵۰ آیه در ابواب مختلف فقهی ذکر شده و بدان، برای اثبات مطلب تمسک نموده است.

۲. وی بر احادیث نبوی بسیار - یا برای استدلال و یا برای احتجاج بر علیه مخالف - تکیه کرده و از همین رو کتاب، در زمان خویش به صورت فقه مقارن درآمده است.

۳. مؤلف شریف، فقیهی آگاه از فقه اهل سنت بوده و در جای جای کتاب به آرا و نظرات فقیهان اهل سنت اشاره نموده و ضعف آن و استواری فقه شیعه را نمایانده است.

۴. ابن زهره در این کتاب - هم بخش کلام و اصول فقه و هم بخش فقه - به آرا و نظرات شیخ طوسی و سید مرتضی و ابوالصلاح حلبی عنایت فراوان دارد و در توضیح مقاصد آنان کوشیده است.

۵. مؤلف در مسائل فراوان - قریب به ۶۵۰ مسأله - بر اجماع تکیه نموده است و مرادش از این، معنی مصطلح آن - اتفاق امامیه بر حکم به شرایط ویژه - نیست. بلکه مقصود وی از اجماع در این کتاب (و شیخ طوسی در کتاب خلاف) استکشاف قول معصوم - خواه از راه اجماع و خواه از غیر آن راه - است. وی این راه را به خاطر احتجاج با مخالفین برگزیده است.

اینها و جز اینها باعث شد که این کتاب چند بار به فارسی ترجمه شود؛ این ترجمه‌ها عبارتند از:

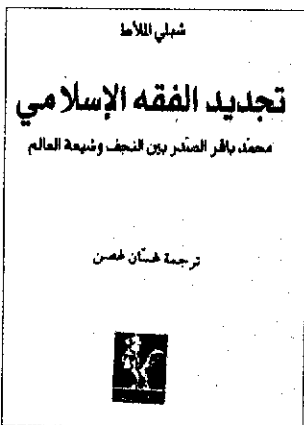
۱. ترجمه کامل آن به قلم عمادالدین حسن بن علی بن محمد مازندرانی (زنده در ۶۹۸). رك: مقدمه سؤال و جواب سید محمد کاظم یزدی، ص «ه». (شاید همان کتاب «العمدة» باشد. رك: الذریعة ۱۵/۳۳۳)

(م ۳۸۱ق) و فقه الرضا - که همان کتاب تکلیف ابن ابی الغراق شلمغانی (م ۳۲۳ق) است - و نهاییه سیخ طوسی (م ۴۶۰ق) از آن قبیل است. سپس با ظهور فقیهانی مانند: ابن ابی عقیل عمّانی (م ۳۵۰ق) و ابن جنید اسکافی (م ۳۸۱ق) و شیخ مفید (م ۴۱۳ق)، فقه وارد مرحله جدیدی شد و رأی و نظر و استدلال و استنباط فروع از اصول در آن به کار گرفته شد و همین طریقه مورد قبول سایر فقها قرار گرفت، که تا به امروز ادامه داشته است. کتاب ارزنده و گرانبسنگ «غنیة النزوع» - نوشته فقیه بزرگ شیعه عزالدین ابوالمکارم بن زهره (۵۱۱-۵۸۵ق)، که نسب شریف او با ۱۲ واسطه به امام صادق (ع) می‌رسد - نیز یکی از کتاب‌های فقه استدلالی است، که از دیرباز مورد توجه فقها قرار گرفته و بدان استناد جُسته‌اند.

این کتاب علاوه بر فقه، مشتمل بر علم کلام - مباحث توحید و عدل و نبوت و امامت و معاد - و دانش اصول فقه نیز می‌باشد، که همین ویژگی، آن را از کتاب‌های دیگر ممتاز ساخته است. مؤلف با زبردستی و اطلاع فراوان از آرا و عقاید ادیان و مذاهب گوناگون، به بررسی آنها پرداخته است. وی در باب توحید پس از اثبات صانع، به توضیح صفات سلبيه و ثبوتیه و بررسی آیات متشابه پرداخته و در ادامه به نقد عقیده ثنویه، نصاری، مجوس و اثبات بطلان قول یعقوبیه و نسطوریه و تثلیث پرداخته و به خوبی از عهده برآمده است. در باب عدل نیز، به بررسی حسن و قبح، جبر و اختیار، هدایت و ضلالت، قضا و قدر، خیر و شر، ألم و عوض، معرفت و نظر، آجال و ارزاق و اسعار پرداخته است. در فصل نبوت، عصمت، معجزه و شرایط آن، تحدی، صرفه، معجزات پیامبر (ص)، اخبار پیامبر از غیب، نسخ و بدهاء را بررسی کرده و در بخش امامت - که مفصل‌ترین فصل کتاب است - به وجوب امامت، عصمت امام، ادله مخالفین و بطلان آنها، اثبات امامت امیرالمؤمنین (ع) به اجماع، آیه ولایت، حدیث غدیر، حدیث منزلت، حدیث دار، حدیث امره المؤمنین و ادله دیگر، بطلان امامت دیگران و قصه سقیفه و قضیه آتش زدن در خانه حضرت زهرا و مطالب دیگر، امامت ائمه دیگر، سبب غیبت امام زمان اشاره فرموده است.

مؤلف بزرگوار در فصل معاد، به بررسی معنی وعد و وعید، مدح و ثواب، بطلان تحابط، توبه، شفاعت، ایمان و کفر، امر به معروف و نهی از منکر، صراط و شکر اهل بهشت پرداخته و به خوبی از عهده برآمده است.

تجدید الفقه اسلامی. محمدباقر الصدر بین التجف و شیعة العالم.



ترجمة غسان غصن، دارالنهار
آقای شبلی الملاط متفکر
نبنانی الاصل و استاد
دانشکده حقوق دانشگاه
القدس یوسف و استاد فقه
اسلامی در دانشگاه لندن و
مدیر مرکز فقه اسلامی و
قوانین خاورمیانه و نویسنده
مقاله ها و کتاب های مختلف
در زمینه های حقوق

اسلامی، پایان نامه دکترای خود را زیر نظر دکتر اکبرت حورانی
زیر عنوان The Renewal of Islamic Law: muhammad Baqr as-sader
Baqr as-sader نگاشت که انتشارات دانشگاه کمبریج در
۱۹۹۳ آن را منتشر ساخت. الملاط نوشته های دیگری درباره
مرحوم صدر انتشار داده است از جمله:

"Religious militancy in contemporary Iraq: Mahummad Baqar as-sadr and the Sunni-Shia Paradigm. Third World Quarterly, vol.10, No.2 (April 1988), p.699-789.

"Sader, muhammad Baqar -aln. modern Islamic World Vol.3, NewYork, Oxford university press, 1995.

کتاب مذکور زیر عنوان **تجدید فقه اسلامی** (محمد باقر الصدر بین
التجف و شیعة العالم) توسط غسان غصن به عربی ترجمه و با این
مشخصات بیروت، دارالنهار للنشر، ۱۹۹۸ هـ منتشر شد.

نویسنده در صدد تحلیل و بررسی سیره فکری شهید محمد باقر
صدر (شهید ۱۹۸۰م) در عرصه های سیاست و اقتصاد از منظر
تجدید فقه اسلامی و تأثیرات آن اندیشه ها را بر تکوین اندیشه های
جدید اسلامی بویژه پس از انقلاب اسلامی در ایران است.

این کتاب مشتمل بر مقدمه و دو بخش (مباحث سیاسی و
مباحث اقتصادی) است. در مقدمه ابتدا نوشتاری با عنوان
اصول الدستور الاسلامی از محمد باقر صدر و سپس تحلیلی از
نهیض قانون خواهی در جهان اسلام و جایگاه مرحوم صدر در
فرآیند آن ارائه کرده است. مرحوم صدر، مقاله اصول الدستور
الاسلامی را در سال ۱۳۸۰ق نوشت که زیر عنوان الاسس
الاسلامیة در کتاب الامام الشهيد السيد محمد باقر الصدر دراسة
فی سیرته و منهجه تألیف محمد الحسینی آمده است و قبل از آن
بدون عنوان در منشورات حزب الدعوة الاسلامیة در سال ۱۴۰۱
منتشر شده است.

۲. ترجمه کامل به قلم: استاد سید محمد مشکاة بیر جندی.
چاپ انتشارات دانشگاه تهران.
۳. ترجمه قسمت فقه آن، به قلم: دکتر سید مهدی صناعی.
چاپ دانشگاه فردوسی-مشهد.
۴. و تلخیص آن به نام: التجرید لفقه الغنیة عن الحجج
والادلة. نوشته: عبدالله بن علی بن زهرة حلبی (م ۵۸۰ق).
دسترسى به این کتاب شریف تنها از راه مراجعه به «الجوامع
الفقهیة» میسر بود، که آنهم خالی از افتادگی ها و اغلاط نبود.
اینک محقق محترم-که پیشتر تحقیق کتاب های: جواهر ابن
براج، احتجاج طبرسی، اصباح الشیعه کیدری، عمده ابن
بطریق را از او دیده ایم-بر اساس نسخه ای نفیس-نگاشته شده به
تاریخ ۱۴۱۴ق-دست به تحقیق این کتاب زده و به خوبی از عهده
آن برآمده است.

محقق محترم افزون بر تقویم نص و استوارسازی متن، به
شرح لغات دشوار، ترجمه احوال اعلام کتاب، مصدربایی
احادیث و به ویژه احادیث نبوی در صحاح عامه، شرح و
توضیح بیشتر مطالب کتاب با استفاده از ده ها کتاب
تفسیری، حدیثی، تاریخی، کلامی، فقهی، اصولی و لغوی-به
خصوص در جلد دوم که به مباحث کلامی اختصاص دارد و به
ویژه در مبحث امامت-دست یازیده و با حواشی بسیار سودمند
بر ارزش کتاب بسی افزوده است. در پایان فهراس متعدد:
آیات، روایات، اسماء معصومین(ع)، اشعار، اعلام و
مترجمین، قبایل، اماکن، فرق و مذاهب کتاب ها و مراجع و
منابع تحقیق بر آن ترتیب داده شده است.

دو مقدمه خواندنی و پر مطلب از استاد محقق آیت الله
سبحانی در آغاز کتاب آمده است. در نخستین مقدمه، از
جغرافیای حلب، تاریخ تشیع حلب، مؤلف و خاندان
شریف و بزرگوارش، اساتید و شاگردان و کتاب هایش و
کتاب غنیه و در دومین پیشگفتار از علت نیاز به علم کلام،
مدارس چهارگانه کلامی، و معرفی بزرگان متکلمین
اسلامی در قرن پنجم و ششم سخن رفته است. کتاب با
چاپی زیبا و دلنواز، صحافی مناسب و چشمگیر به بازار
کتاب عرضه شده است. توفیق بیشتر محقق گرامی را در
عرضه افزون آثار علمای امامیه از درگاه خداوند متعال
خواستاریم.

ناصرالدین انصاری

این نوشته یکی از مکتوبات مهم و زیربنایی در اندیشه سیاسی

شیعه است و به موضوع‌هایی از فلسفهٔ سیاست مانند قرائت از اسلام سیاسی و انسان مسلمان، وطن اسلامی، دوست اسلامی، شکل دولت اسلامی، رعایت شورا و انظار مردم در دولت اسلامی، فرق بین حکم شرعی و قوانین عرفی را به دقت بررسی کرده است. به دلیل ایجاز و استدلالی بودن آن، الملائه آن را از بین آثار سیاسی ایشان گزینش کرده است. اما رساله دیگر مرحوم صدر یعنی **لمعة فقهیه عن شروع دستور الجمهوریه الاسلامیه فی ایران** مکمل آن نوشتار است و بهتر بود در کنار آن درج می‌شد. همچنین مبانی سیاسی ایشان منحصر بر آنچه در آن نوشتار آمده نیست بلکه مقوله‌هایی همچون منطقه‌الفرع نیز در دستگاه اندیشه سیاسی وی محوری و مهمند.

اما تحلیل الملائه از نهضت قانون خواهی در شیعه فارغ از برخی ضعف‌های آن، خواندنی است. الملائه معتقد است تلاش‌های مرحوم صدر در ادامه نهضت مشروطیت ایران و اندیشه‌های وی مکمل آن دیدگاه‌ها یعنی نظام مند کردن اندیشه‌های سیاسی-اجتماعی شیعه است. این نظام مندی در دو فرآیند نظری تقویت مبانی فلسفی و کلامی و حقوقی و ارائه یک ساختار معقول و قابل پذیرش و عملی کارآمد در عرصه‌های مدیریت کلان جامعه شیعه و نظام اسلامی است. به همین دلیل کتاب‌های فلسفتنا و اقتصادانا را نوشت و برای بسط و تعمیم این دیدگاه در سطوح مختلف جامعه شیعی به انتشار مجله‌الاضواء دست یازید. جامعیت و نظام مندی و ایدئولوژی‌گرایی ایشان در این بخش نسبتاً خوب تحلیل شده است.

جزء اول مشتمل بر سه قسمت است. در قسمت اول تطور فقه شیعه در دوره جدید و به عبارت بهتر پیشینه افکار مرحوم صدر در لابه لای تاریخ حقوق شیعه بررسی شده است. ابتدا به دو مشرب اخباری و اصولی و ریشه‌های اختلاف‌های آنها و موارد اختلاف آنها در عرصه‌های قانون‌گذاری و مسائل اجتماعی پرداخته و تأثیرات پیروزی اصول‌گرایی در تکوین اندیشه‌های جدید و نظام مند و معقول شیعه را نشان داده است. سپس اصولیان را به دو دسته تقلیدگرایان و تجدیدطلبان رده‌بندی کرده و علل رشد اجتهاد مطلوب را بررسی کرده است. پس از آن تشابهات فکری و عملی امام خمینی و مرحوم صدر در نجف و علل رویکرد آنها با نهضت همراه با رهبری مرجعیت و شکل‌گیری رهبر مرجع یا ولی فقیه در اذهان آنان پرداخته است.

در قسمت دوم به بررسی نوشته‌های مرحوم صدر در زمینه قانون اساسی ایران و شکل‌گیری دولت اسلامی ایران پرداخته است. دو کتاب **لمعة فقهیه و شهادة الانبیاء و خلافة الانسان** محور اصلی این بررسی است. اما قسمت سوم توصیفی از آزمایش

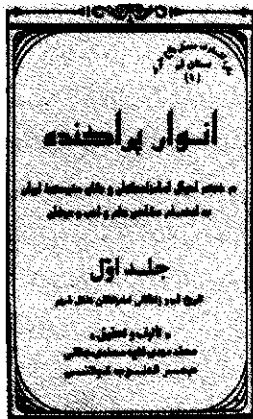
عملی این دیدگاه‌ها در عرصه‌های اجتماعی و سیاسی پس از تحقیق جمهوری اسلامی ایران و بررسی مشکلات عملی نظریه دولت شیعی در محورهای مختلف بررسی است.

جزء دوم مشتمل بر دو قسمت متدلوژی اکتشاف قوانین اقتصادی از شریعت اسلامی و نظام بانکداری اسلامی است. نویسنده در هر دو قسمت در صدد ارائه تحلیلی از نظریات مرحوم صدر بر پایه مهم‌ترین آثار اقتصادی وی از جمله اقتصادنا و البنک اللاروی فی الاسلام همچنین کارآمدی عملی آن در نظام جمهوری اسلامی ایران است. البته نقدهایی به آرای ایشان هم دارند.

به هر حال این اثر همانند آثار دیگری که درباره شهید محمد باقر صدر منتشر شده، گویای همه زوایای فکری آن نابغه نیست، ولی نشانگر اهمیت و جذابیت اندیشه‌های وی در محافل مختلف علمی جهان است. اکثر آثار مرحوم صدر به همه زبان‌های زنده و مهم دنیا ترجمه شده و تحلیل‌هایی به زبان‌های مختلف در زمینه اندیشه‌های وی نوشته‌اند. اما بیشترین تحلیل‌ها به ترتیب درباره افکار سیاسی، افکار اقتصادی و آرای فلسفی وی است.

محمد نوری

انوار پراکنده، ج ۱، محمد مهدی فقیه محمدی جلالی، چاپ اول:



قم، انتشارات مسجد مقدس جمکران، ۱۳۷۶ ش، ۶۱۰ ص. از جمله افتخارات کشور پهناور ایران، وجود امامزادگان جلیل‌القدر است که در جای‌جای این سرزمین آرمیده‌اند و مردم از فیوضات آنان بهره‌مند می‌شوند.

اخیراً جناب محمدی جلالی طرح گسترده‌ای با

عنوان «دائرة المعارف مفصل بقاع متبرکه» آغاز نموده که در آن به شرح حال امامزادگان سراسر ایران پرداخته است. اکنون جلد نخست این اثر که به معرفی امامزادگان مدفون در داخل شهر قم اختصاص دارد، به زیور طبع درآمده است. چنانچه نویسنده پیش‌بینی نموده است، این مجموعه به ۴۵ جلد خواهد رسید.

در جلد اول، پس از ذکر ویژگی‌های شهر قم و بیان دلیل پراکندگی سادات در ممالک اسلامی، شرح حال امامزادگان زیر در حدی که در منابع آمده، نقل شده است:

حضرت معصومه (س)، علی بن جعفر، شاه ابراهیم، احمد

مانند نقل زیارت نامه بعضی امامزادگان، کرامات، اشعار در مدح امامزادگان و ... مناسب است خوانندگان در این موارد به منابع دیگر ارجاع داده شوند.

۳. وجود فهرست های اعلام، مکان ها، کتاب ها و ... استفاده از کتاب را آسان تر خواهد کرد.

۴. نویسنده محترم، مشغول انجام طرح بزرگی است. جا دارد این کار، گروهی انجام یابد تا هم سهل تر گردد و هم اثر از اتقان بیشتر برخوردار گردد.

۵. در برخی از کتاب هایی که درباره قم نگاشته شده - از جمله انوار پراکنده - تاریخ فوت امامزاده ناصرالدین سال ۸۲۸ ضبط گردیده است. اخیراً روی سنگ قبر نیز این تاریخ به عنوان سال فوت امامزاده حک شده است. (مرقدی که در چند دهه اخیر به امامزاده ناصرالدین نسبت داده می شود رو به روی درب شمالی مسجد امام حسن عسکری (ع) واقع است.) در صفحه ۳۲۴ بحثی مطرح شده مبنی بر اینکه سلسله نسب امامزاده ناصرالدین تا امام حسن مجتبی (ع) در کتاب **عمدة الطالب** دوازده تن ذکر شده؛ حال آنکه در هر قرن کمتر از چهار واسطه نمی توان قائل شد. بنابراین تعداد وسائط باید بیش از سی تن باشد. از این رو از سلسله نسب امامزاده چند واسطه افتاده است. سپس نویسنده در مقام پاسخ گویی برمی آید.

اما این بحث از اساس بی مورد است. زیرا سال ۸۲۸ زمان فوت جمال الدین احمد بن علی معروف به ابن عنبه نویسنده **عمدة الطالب** است. وی این کتاب را در سال ۸۱۲ یا ۸۱۴ به پایان رسانده است. در زمان تألیف، امامزاده ناصرالدین حیات نداشته است؛ چون در این کتاب، محل دفن او مشخص شده است. در واقع زمان فوت این امامزاده مشخص نیست.

۶. مرحوم حاج شیخ عباس قمی (م ۱۳۵۹ هـ. ق.) در **متهی الامال**، جلد دوم، صفحه ۲۵۸ (چاپ حروفی) تصریح می کند که مقبره مقابل درب شمالی مسجد امام به قبر احمد بن اسحاق معروف است. بنابراین در زمان تألیف **متهی الامال** این مقبره به احمد بن اسحاق نسبت داده می شده است.

مرحوم محمد حسین ناصر الشریعه (م ۱۳۳۹ هـ. ش.) در کتاب **تاریخ قم**، صفحه ۱۲۵ (چاپ دارالفکر) می نگارد که در زمان طفولیت او بقعه مقابل مسجد امام حسن (ع) به بقعه احمد بن اسحاق معروف بوده است. سپس بعضی با استفاده از کتاب **عمدة الطالب** استنباط کردند که این امامزاده، شاهزاده ناصرالدین است و فعلاً به شاهزاده ناصرالدین معروف شده است.

بن قاسم، سلطان محمد شریف، امامزاده ناصرالدین، شاه حمزه، موسی مبرقع، چهل اختران، امامزاده زید، شاه اسماعیل، امامزاده سید علی، ابوالاحمد بن محمد حنفیه، چهار امامزاده، حارث بن احمد، صفورا خاتون، شاهزاده ابراهیم، شاه جعفر موسوی، سید عبدالله، سید جمال الدین، سید معصوم، علی موسی الرضا.

در کنار امامزادگان فوق، امامزادگان دیگری نیز مدفونند که آنان نیز معرفی شده اند و در مجموع در این جلد، بیش از شصت امامزاده مدفون در شهر قم شناسانده شده است.

این اثر از ویژگی های زیر برخوردار است:

۱. گستردگی طرح. چنین طرحی با این وسعت، دست کم در مورد امامزادگان ایران، تاکنون انجام نشده است.

۲. گستردگی تحقیقات نویسنده. مطالعه کتاب نشان می دهد، نویسنده محترم در مراجعه به منابع، کوتاهی ننموده است و جهت تدوین شرح حال ها از منابع فراوان بهره برده است.

۳. اکتفا نکردن به نقل اخبار. در این اثر علاوه بر نقل مطالب، گاه به تحلیل مطالب نیز برمی خوریم که در آن پاره ای دیدگاه ها نقد و بررسی شده اند. چنانچه در مورد امامزاده حمزه، دلایل مدفون بودن امامزاده حمزه، فرزند بی واسطه امام موسی بن جعفر (ع) در شهرهای شیراز، کاشمر، سیرجان و قم را رد کرده و اثبات نموده است که وی در شهر ری مدفون است.

۴. استفاده از طرح چشم نواز و زیبا در روی جلد.

۵. چاپ تصویر بارگاه امامزادگان.

۶. تصویربرداری در زمان تألیف. تصاویر این کتاب مربوط به زمان های گذشته نیست. این امر از جهت تاریخ بناها از اهمیت خاصی برخوردار است.

۷. توصیف بارگاه ها. مانند وسعت آنها، ارتفاع و ...

۸. به کارگیری نثر ساده و روان.

۹. نقل کرامات و معجزات امامزادگان.

نویسنده محترم در تدوین این اثر، متحمل زحمت های فراوان شده و توانسته است اثری درخور توجه ارائه نماید. لیکن هر کتابی قابل تکامل است و می توان بهتر از آن را پدید آورد. از سوی دیگر بناست این مجموعه در ۴۵ جلد به چاپ رسد. از این رو نکاتی چند یادآوری می شود با این امید که در چاپ های بعد و مجلدات دیگر، مورد توجه قرار گیرد:

۱. ضروری است که عبارات متن، ویرایش شوند.

۲. مطالب جنبی و حاشیه ای فراوان به چشم می خورد؛

بنابر اظهار مرحوم ناصر الشریعه منشأ تعویض نام امام زاده، عمده‌الطالب است. اما حضرت آیت الله سید موسی شبیری زنجانی که نسخه‌های مختلف عمده‌الطالب را مقابله نموده‌اند می‌فرمودند: نسخه‌ای خطی از عمده‌الطالب در کتابخانه مسجد اعظم قم نگهداری می‌شود (به خط امام بن جلال کرمانی، تحریر ۸۶۲ هـ. ق.) که ظاهرأ صحیح‌ترین و کهن‌ترین نسخه موجود از این کتاب است. در آنجا آمده که امامزاده ناصرالدین در «بم» مدفون است، اما در چاپ‌های موجود، «بم» به «قم» تبدیل شده است.

با توجه به اینکه نویسنده عمده‌الطالب اهل کرمان بوده، نزدیک‌تر به واقع این است که او امامزاده مدفون در نزدیکی کرمان را در نظر داشته است.

با این توضیحات روشن می‌شود که نسبت این آرامگاه به احمد بن اسحاق رجحان دارد. البته نه احمد بن اسحاق اشعری که وکیل امام حسن عسکری (ع) در قم بوده است.

۷. مناسب بود در بخش مربوط به شاهزاده حارث بن احمد (خاکفرج) اشاره می‌شد که مادر حضرت امام خمینی (ره) در جوار این امامزاده مدفون است. اخیراً سنگ قبر وی بالا آورده شده است.

۸. برخلاف آنچه که در صفحه ۵۰۹ نوشته شده، قبرستان وادی السلام به صورت کامل باقی است و تخریب نشده است.

۹. جا دارد در تصویربرداری بارگاه امامزادگان دقت بیشتر صورت گیرد. در صفحه ۵۵۶ درختان مانع تصویربرداری از بنای آرامگاه امامزاده جعفر شده‌اند.

۱۰. پیشنهاد می‌شود در کنار تصویر بنای جدید هر بارگاه، در صورت امکان، تصویر بنای پیشین نیز چاپ گردد.

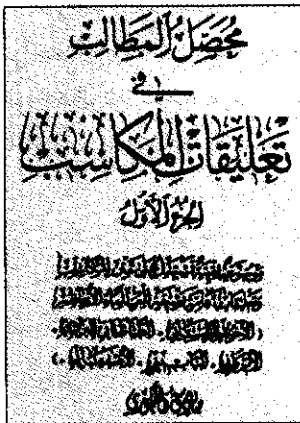
۱۱. برای اینکه تصاویر، ارزش تاریخی بیشتر داشته باشد، مناسب است تاریخ دقیق روزی که عکس برداری شده، ثبت گردد.

۱۲. در بخش منابع و مآخذ کتاب، در ترتیب الفبایی نام منابع، تنها حرف اول، مد نظر بوده است. در حالی که حرف‌های بعد نیز باید در نظر گرفته شوند.

با آرزوی موفقیت برای نویسنده پرتلاش، منتظر نشر مجلدات دیگر این اثر ارزنده هستیم.

سید حسن فاطمی

محصل‌المطالب فی تعلیقات المکاسب (ج ۱)، صادق الطهوری (نوروزی)، قم، انوار الهمدی، ۱۴۱۹ ق. وزیری، ۷۲۰ ص.



کتاب مکاسب یکی از مهم‌ترین کتب فقهی استدلالی در حوزه‌های علمی شیعی است که در نحوه ورود به مسأله و کیفیت استدلال در نوع خود بی‌نظیر است و سهم عمده‌ای در پرورش ذهن و قوه استنباط دارد.

در اهمیت این کتاب همین بس که از بدو تألیف کتاب درسی در دوره سطح و محور بحث در خارج فقه تجارت بوده است.

به دلیل همین اهمیت شروح و حواشی متعددی بر آن نگاشته شده است که از مهم‌ترین آنها، حواشی مرحوم آخوند خراسانی، سید محمد کاظم طباطبایی، میرزای ایروانی میرزای نائینی، شیخ محمد حسین اصفهانی است. اهمیت این حواشی به قدری است که محققین در زمینه فقه معاملات از مراجعه به کتب این بزرگان بی‌نیاز نیستند و دو صد حیف که مشکلات عدیده (علاوه بر کیفیت چاپ این کتب) استفاده از آنها را به حد اقل رسانیده است. مهم‌ترین این مشکلات به قرار زیر است.

۱. اختلاط مباحث مربوط به توضیح مکاسب به مباحث انتقادی و آراء و نظرات مخصوص این بزرگان، به طوری که شخص محقق برای یافتن آرای محشّین باید وقت زیادی صرف نماید و دقت فراوانی نماید تا بتواند این دورا از هم تفکیک نماید. این امر در حاشیه مرحوم اصفهانی بیشتر به چشم می‌خورد.

۲. متن مکاسب در این کتب به طور ناقص و به صورت: قوله... الخ اقول... مطرح شده است که این امر باعث شده است که جایگاه کلمات محشّین و ارتباط حواشی با متن مشخص نباشد.

۳. نظرات محشّین در کنار هم نیست و هر کدام در کتابی جداگانه تألیف شده است و تفاوت آرای آنها با یکدیگر و تطبیق و مقایسه نظرات مختلف مشکل و محتاج صرف وقت است.

از این رو ضرورت طرح و ارائه امروزینه مکاسب محرمه با توضیحات و حواشی بایسته، هرچه بیشتر احساس می‌شود. محقق گرانمایه آقای صادق طهوری با درک چنین نیازی، بدین کار همت گماشته و آن را به انجام آوردند.

را دارد و تبدیل شرح به تعلیقه و پیدا کردن موارد اختلاف نظر مرحوم نائینی با صاحب مکاسب کاری بس دشوار است که مؤلف بر آن فائق آمده است. خلاصه اینکه مؤلف از میان سنگلاخ‌های کتب چاپ سنگی (که چشم را بس می‌آزارد) و از دهلیزهای تاریک آرای غیر منقح و عبارات پیچیده این بزرگان به ابتکاری بزرگ دست یازیده است و توانسته است هفت کتاب را در کتاب واحدی گرد آورد که خود می‌تواند زمینه‌ای مناسب برای افزودن نظرات علمای متأخر و افزودن حواشی جدید به آنها باشد.

به هر حال این کتاب دایرةالمعارف کوچکی از نظرات مستدل علمای بزرگ و فقهای ارجمندی است که آرای آنها همواره مورد توجه محققین بوده است و برای دستیابی سریع به نظرات و ادله آنها کار را سهل و آسان نموده است؛ بخصوص افراد و مراکزی که در صدد مجموعه سازی و گردآوری نظرات فقهایند می‌توانند از این کتاب استفاده کنند.

ای کاش مؤلف نظرات مرحوم امام خمینی و آقای خوبی - قدس سرهما - را نیز در این کتاب می‌آورد. امید است ان شاء الله در چاپ‌های بعدی نظر آن دو بزرگ را به این نظرات بیافزاید.

حسن محمدی

لهجه بخارایی، دکتر احمد علی رجایی بخارایی، دانشگاه فردوسی مشهد، ۱۳۷۵.

لهجه بخارایی

دکتر احمد علی
رجایی بخارایی

دانشگاه فردوسی
مشهد

۱۳۷۵

[یادداشتی درباره لهجه بخارایی، از جمله کتاب‌های تحقیقی ماندگاری است که مؤلف مرحوم، بنابر احساس ضرورت و احتیاج، در طی سال‌هایی بسیار، به گردآوری مواد و تنظیم مطالب آن مشغول بوده و سرانجام در سنه ۱۳۴۲ ش. در سلسله

انتشارات دانشگاه فردوسی، به چاپ رسیده بوده است. جز از پیشگفتار چاپ جدید (ص ۲۱ و ۲۰) و مقدمه عالمانه مؤلف (ص ۳-۲۰)، دیگر مطالب مندرج در کتاب از این قرار است: راهنمای تلفظ کلمات (۲۱ و ۲۲)، اصالت لهجه بخارایی (۲۳-۳۶)، مختصات دستوری لهجه بخارایی (۳۷-۱۴۴)، برخی جمله‌ها و گفتگوهای روزانه (برای بررسی مطالب دستوری، ص ۱۴۵-۲۷۲)، گفت‌وگویی به لهجه بخارایی

مؤلف در این کتاب سعی در برطرف کردن نواقص و کاستی‌های یاد شده، نموده است. کتاب وی مزایا و محاسن متعددی دارد که از جمله آنها موارد زیر است:

۱. نظرات محشین در کنار هم ذکر شده، به طوری که مقایسه بین آنها و به دست آوردن اختلاف دیدگاه‌ها و نقطه نظرات آسان گردیده است.

۲. متن مکاسب کاملاً در این کتاب آمده است و مؤلف در هر صفحه سعی نموده است که مطلبی تقریباً مستقل و وافی به مطلب بیاورد که این روش از نظر آموزشی بسیار مفید و مطلوب است.

۳. از آوردن مطالب مربوط به توضیح مکاسب و یا مطالب استطرادی خودداری نموده است و همچنین از آوردن نظرات استادان ایشان و یا نقد و رد آنها خودداری کرده و تنها به آرا و نظرات و ادله مخصوص به هر کدام اکتفا نموده است. مؤلف در به دست آوردن آرا و نظرات محشین سعی فراوان نموده است و برای تحصیل آنها بسیار موشکافانه به تدقیق و تعمق پرداخته است. تا جایی که مطالب مربوط - ولو در ذیل عبارات و کلمات مکاسب - را نیز از نظر دور نداشته است. جالب اینکه حتی از مطالب و آرای این بزرگان تحت عنوان فتاوی‌های مکاسب در نگذشته است. به خاطر آنکه از وجاهت علمی کتاب کاسته نشود و به عنوان کتابی منبع و مرجع برای محققین مفید باشد، مؤلف از دخل و تصرف در کلمات و عبارات خودداری نموده است. مگر در موارد ضرورت که نشانی عبارات و کلمات را در همه موارد ذکر نموده است.

۴. مؤلف همان‌طور که شیوه کلاسیک در تدوین کتب است، تنها آرای مختار محشین را آورده است و از جولان‌های ذهنی این بزرگان که گاهی بر مطلبی استدلال کرده و سپس آن را رد نموده‌اند، در گذشته است.

۵. از آنجا که درس خارج مکاسب میرزای نائینی در دو دوره تقریر شده و در دو کتاب چاپ شده و در تقریر دوم گاهی آرا و نظرات جدیدی اختیار نموده است، در مواردی که دو تقریر با هم اختلاف داشته، مؤلف از هر دو تقریر استفاده کرده است (البته بجز مواردی که مرحوم نائینی به بطلان رأی اول خود تصریح کرده باشد). طرفه آنکه در مواردی که دو تقریر در اصل مطلب و استدلال یکی هستند و در استدلال و یا مطلب کوتاهی با هم اختلاف دارند، آن مقدار اختلاف را با اشاره به نام مأخذ در تقریر دیگر گنجانیده است.

نکته مهمی که نشان دهنده پژوهش و تلاش فراوان مؤلف است، این است که این دو تقریر در واقع حالت شرح بر مکاسب

(۲۷۳-۲۸۷)، نمونه‌ای از نشر نویسندگان کنونی بخارا (۲۸۹-۳۰۰)، نموداری از لغات متداول در بخارا (۳۰۱-۴۹۱)، فهرست راهنما (۴۹۳-۵۲۷) و منابع و مآخذ (۵۲۹-۵۳۵) قبل از شادروان دکتر رجایی، محققان دیگری نیز درباره لهجه‌های گوناگون تاجیکی، از جمله لهجه بخارایی، پژوهش کرده‌اند که مهم‌تر از همه، تحقیق «راستار گویوا» (V.S. RASTOR GUYEVA) فارسی‌دان روسی است. پس از رجایی نیز پژوهش دکتر عبدالغفور روان‌فهادی قابل‌اعتنا و توجه بسیار است.

با اینکه اکنون چند دهه از تألیف و طبع این کتاب می‌گذرد؛ هنوز مطالب آن تازه و مُمدّ کارهای تحقیقی در باب زبان و ادبیات فارسی است، زیرا بخشی از لغات و اصطلاحات و قواعد لهجه‌های مختلف فارسی رایج در سرزمین ماوراءالنهر، از دورترین زمان‌ها تا به امروز، در گفته‌ها و نوشته‌های شاعران و نویسندگان ماوراءالنهری به کار رفته است که بدون دانستن معانی موضوع‌له و مجازی هر یک از آن کلمات و نیز قواعد دستوری خاص، فهم کردن و فهمانیدن بعضی از شعرها و نوشته‌های فارسی، برای ما به درستی ممکن نیست.

از سوءحظ، نه در تألیف لغت‌نامه‌گر انقدر دهخدا، به این امر مهم توجه شده است و نه در تألیف فرهنگ ارزشمند معین. در صورتی که به دلائل بی‌شمار، بسیار لازم است که هم، از فارسی‌دان‌های تاجیکی و ماوراءالنهری در تألیف و تدوین لغت‌نامه‌های فارسی‌یاری خواسته شود و هم لغات و اصطلاحات ویژه کتاب‌های نوشته شده در منطقه ماوراءالنهر و افغانستان، از زمان‌های بسیار دور تا کنون، با معانی هر یک و شواهد کافی یادداشت شود و پس از تدوین و تدقیق و تعمق طبع گردد.

این کار خیلی بایسته‌تر از آن است که مثلاً با صرف وقت بسیار و هزینه‌ای هنگفت، عده‌ای بنشینند و لغات و اصطلاحات لغت‌نامه‌دهخدا را معنی (!) کنند ...

در چاپ جدید کتاب، در دو مورد «ترك اولی» دیده می‌شود که از امانت‌گزاری به دور است: نخست اینکه کتاب در چاپ نخست به مرحوم استاد مجتبی‌ای مینوی پیشکش شده بود که آن را حذف کرده‌اند.

دوم اینکه نام کامل و اصلی کتاب «یادداشتی درباره لهجه بخارائی» بوده است که آن را به دلیلی ناموجه به «لهجه بخارایی» تغییر داده‌اند.

چون کتاب را مؤسسه‌ای دانشگاهی - که قاعدتاً باید مرکز تحقیقات باشد - منتشر کرده است، جاداشت که به بخش‌های

«گفت و گویی به لهجه بخارایی»، «نمونه‌ای از نشر نویسندگان کنونی بخارا» و «نموداری از لغات متداول در بخارا» به صورت ضمیمه متخبی از نوشته‌ها و گفته‌های کسانی مانند «احمد دانش»، «صدرالدین عینی»، «کریم حکیم»، «میرزا تورسون‌زاده»، «ساتم‌الغ‌زاده»، «یوسف وفا»، «رحیم جلیل»، «عبدالسلام دهاتی»، «زردوز فطرت»، «رسول‌هادی‌زاده»، «فاتح نیازی»، «محمود خواجه بهبودی» و ... یعنی از آثار نسل پیشین اهل قلم ماوراءالنهر مخصوصاً «بخارا»، به شیوه علمی، افزوده می‌شد تا خوانندگان ایرانی را بیشتر به فارسی رایج در آن صفحات آشنا کند.

همچنین لغات بسیاری از ترکی و مغولی و روسی و هندی، به فارسی تاجیکی وارد شده است که سابقه بعضی از این لغات دخیل به چند قرن می‌رسد و ما غالباً آنها را نمی‌شناسیم. البته این واژه‌ها، غیر از کلماتی است مانند: آب شسته، آزاده، آزادگی، آشیانه، آلاندن، آرتنگ‌آرتنگ، ازبسکه، از خود کردن، از کار برآمدن، از کار برآوردن، آسانک، آنداویدن و چند صد لغت دیگر که با آنکه غالباً در فارسی ایرانی به کار می‌روند، در فارسی تاجیکی هر یک معنی یا معانی خاصی دارد. نیز بعضی از کلمات تاجیکی، در بعضی از لهجه‌های فارسی ایران کاربرد دارند. از این دست است: دولچه ص ۳۹؛ سیل ص ۴۰۶؛ قپیدن ص ۴۳۰؛ کت ص ۴۳۷؛ گندنا ص ۴۵۳؛ گیسراندن ص ۴۵۸؛ لخشیدن ص ۴۶۰؛ بخدان ص ۴۸۸ و بعضی دیگر که عیناً یا با جزئی اختلافی در تلفظ در فارسی شیرازی وجود دارد.

در صفحه ۳۲۰ به نقل از شادروان بدیع‌الزمان فروزانفر آمده است که: «در شیراز و کرمان و افغانستان به خیار معمولی با درنگ می‌گویند. در شیراز، همیشه، به «خیار»، «خیار» می‌گفته‌اند لاغیر. بعضی از لغاتی که در این نمودار کتاب آورده شده است، معنی یا معانی دیگری نیز دارد که هر یک توضیحی را طلب می‌کند؛ مانند «بالار» ص ۳۲۲؛ «جوره» ص ۳۶۱ و «چهره» ص ۳۷۰؛ «صدر» ص ۴۱۳؛ غوس ص ۴۲۰ و ...

ذکر نکته‌ای نیز در همین جا در بایست است که شاید انتشار این کتاب، بهانه‌ای برای تذکار آن باشد: استعمارگران با همه تلاش و کوششی که کردند، نتوانستند زبان فارسی را در «آن سرزمین» ریشه‌کن کنند؛ اما با کمک دست‌های آلوده، ابتدا خط آن قوم را به لاتینی و سپس به «سیریلیک» برگرداندند. در نتیجه، دست‌کم دو نسل، رابطه‌شان با گذشته قطع گردید و از خواندن کتب فارسی در هر زمینه، محروم گردیدند.

اکنون بر آنهاست که «خط نیاکان» را به درستی فراگیرند و به دیگر افراد بیاموزند تا بتوانند از کتاب‌هایی که در یاران اسلامی به

اجداد پدری او همه از علما، مشایخ و عارفان زمان خود بوده‌اند. مبانی عرفانی او را می‌توان در زهد و رعایت تقوا، ریاضت‌های شرعی در مخالفت با نفس به هنگام خوردن و پوشیدن و خوابیدن، نماز و ذکر و خلوت نشینی دانست؛ به علاوه توجه ویژه به اوضاع اجتماعی و مشکلات مردم. او هیچ‌گاه خود را از ریاضت و دعا و ذکر، بی‌نیاز نمی‌دید و تا آخر عمر لحظه‌ای از مبارزه با نفس دست برنداشت. کهنه می‌پوشید و کم می‌خورد؛ و حتی در دل تابستان گرم جنوب، آب خنک نمی‌نوشید (ص ۱۰).

او تاکید دارد که «نباید کاری کرد که مردم به طایفه صوفیه بدگمان شوند و زبان ملامت بر آنان بگشایند.» در طریقت و گفتار او هیچ سخن خلاف شرعی وجود نداشت. خود از شطح و طامات‌گری بیزار بود و مریدان را از سخن گفتن در این باب پرهیز می‌داد. در باب سماع نیز نظر معقولی داشت. مثل هر مسلمان معتقدی ازدواج کرده و به زیارت خانه خدا رفته است.

او همه انسان‌ها را فارغ از اندیشه و اعتقادشان، بندگان خدا و مستحق کمک رساندن می‌داند و حتی در سفر حج پیرمردی یهودی را که در پیاده شدن از کشتی درمانده بود، به دوش می‌گیرد. (از مقدمه کتاب، صفحه ۹)

همان گونه که در آغاز آمد، شیخ به مسائل اجتماعی توجهی ویژه داشته است. پژوهشگر این کتاب، در این باره می‌نویسد:

«گفتیم اگر زندگی و مشغولیات شیخ را به دو نیمه کنیم، نیمی از آن متوجه امور اجتماعی و صرف توجه به مشکلات مردم شده است. شیخ روزانه، ساعاتی را به دیدار زایران و حاجتمندان اختصاص می‌داد (ص ۱۰) و گاه برای حل مشکل آنان، خود برای شفاعت نزد حکام می‌رفت (ص ۶۹). بر آوردن حاجات مراجعان نیز مختص مسلمانان نبوده و نمونه ارائه شده از مراجعه یهودیانی که از شیخ استمداد می‌جسته‌اند، علاوه بر آنکه نشاندهنده سعه صدر او در برخورد با غیر مسلمانان است، مقبولیت شیخ و اعتماد اهل ایمان دیگر را به او نشان می‌دهد. در جای دیگر نیز مؤلف به این مقبولیت اشاره می‌کند (ص ۳۹).

توجه او به این گونه امور، ریاکارانه و ظاهر سازه نیست و حتی به خاطر وجود پریشانی در میان مردم به درویشان اجازه نمی‌دهد که در خانقاه خویش سماع کنند و می‌گوید روانیست در چنین حالی ما به سماع مشغول شویم (ص ۵۳).

گردآورنده این حکایات و اطلاعات درباره شیخ، که خود یکی از مریدان و پاکبختگان سلسله شیخ امین‌الدین بوده، محمود بن عثمان نام دارد که ملازمتی چهل ساله با شیخ داشته است و حاصل تجربیات و مشاهدات حضوری خود را در این

«فارسی عالی جناب» طبع و نشر می‌شود؛ سود جویند و اطلاعات خود را بالا ببرند و رشته ارتباط خود را با هم‌زبانان هم نژاد استوارتر گردانند.

بر ماست که با فرستادن کتاب فارسی آنها را یاری کنیم. غرض تنها کتاب‌های ادبی و اجتماعی و سیاسی و ... نیست. بلکه بیش از همه ترجمه و تفسیر قرآن مجید و برگردان سخنان پیشوایان دین، لازم است، ولی به فارسی تاجیکی تا نفع آن عام باشد.

علی محمد هنر

مفتاح الهدایه و مصباح العنایه (سیرتنامه شیخ امین‌الدین محمد بلیانی)،

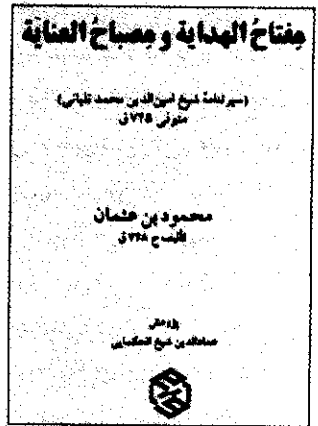
محمود بن عثمان، پژوهش عمادالدین شیخ الحکمایی، چاپ اول: تهران، انتشارات روزنه، ۱۳۷۶، وزیری، پنجاه و شش + ۳۵۳ ص.

جریان «عرفان اسلامی» با همه شکوهی که از آغاز به همراه داشت، این کاستی را نیز داشت که معمولاً با عقلانیت و نیز «مداراة الناس»

سر سازگاری نداشت و اساساً «مردم» در نظام جهان بینی عرفانی جایی نداشتند. تصوف بیشتر مرامی شخصی و انفرادی بوده و حضور مردم تا آنگاه که پای به خانقاه نگذاشته‌اند، جدی تلقی نشده است. در میان بزرگان و مشایخ صوفیه، رادمردانی را می‌توان دید که راه رسیدن به خدا را از میان مردم برگزیده‌اند و مردمی زیسته‌اند، اما کمتر سلسله‌داری را می‌توان یافت که افزون بر تزکیه نفس و هدایت خلق و رسیدگی به خانقاه و اعمال و اذکار صوفیانه، به فکر مردم نیز بوده باشد و دست به خدمات و کارهای خیر خواهانه و عام‌المنفعه زده و اساساً نظر و دیدگاه و رفاه مردم نیز برای او اهمیت داشته باشد.

«شیخ امین‌الدین بلیانی» (۶۶۸ هـ. ق. - ۷۴۵ هـ. ق.) عارف و ارسته قرن هفتم و هشتم هجری و از ممدوحان محبوب خواجه حافظ شیرازی، از آن دست رادمردانی بود که زندگی او در میان مردم و برای مردم سپری شد. او خدمت به مردم را چیزی جز خدمت به خدا و نوعی اطاعت از حق و عبادت معبود نمی‌دانست و بر سر دوراهی‌ها همواره راهی را برمی‌گزید که انجامش آسایش و عدم رنجش خلق الله باشد.

شیخ امین‌الدین محمد بلیانی، زاده کازرون فارس است و



سیرتنامه گرد آورده است. محمود بن عثمان درباره شیخ می‌نویسد: پیوسته کاری کردی و چیزی ساختی که راحت مسلمین در آن بودی» (ص ۱۱) و در بخش‌های مختلف کتاب به بیشتر بناهایی که به دست شیخ برای رفاه حال، تحصیل و بهداشت مردم ساخته است، اشاره کرده و بعضی را شرح داده است، از آن میان می‌توان به این بناها اشاره کرد: سقایه (سقاخانه) مرشدی، گسترش مسجد جامع مرشدی، عمارت خان کمارج، احداث سه خانقاه بزرگ، جوی آب بمشق، قنات قرچه، دارالشفای مرشدی، دارالحديث شمسیه، دارالعبادین مرشدیه و خان سعادت.

پژوهشگر این سیرتنامه، به تفصیل در باب آثار ادبی-عرفانی شیخ امین‌الدین، توضیح داده‌اند که در اینجا تنها نام آن آثار را می‌آوریم: ۱. دیوان شعر شیخ امین‌الدین (که کار تصحیح و چاپ آن با همت همسین پژوهشگر رو به اتمام است). ۲. بدایة‌الذاکرین، ۳. تربیت‌نامه‌های شیخ، ۴. جامع الدعوات لاهل الخلوات.

همچنین آثار دیگری که از نویسنده این سیرتنامه (محمود بن عثمان) بر جای مانده، بر اساس کاوش‌های آقای شیخ الحکمایی، عبارتند از: ۱. فردوس المرشدیه فی اسرار الصمدیه، ۲. انوار المرشدیه فی اسرار الصمدیه، ۳. جواهر الامینیه، ۴. تنظیم کتاب جامع الدعوات لاهل الخلوات. کتاب حاضر با نظمی درخور و تعلیقات و فهرست بسیار کارآمد، می‌تواند زوایای دیگری از تاریخ صوفیه ایران را برنماید. پژوهنده در مقدمه مفصل خود (پنجاه و سه صفحه) در معرفی شیخ امین‌الدین و مرید او محمود بن عثمان و آثار این هر دو سخن گفته و بخوبی از عهده این کار برآمده است؛ بویژه که فصلی را به مشاهیر مریدان و ارادتمندان شیخ، اختصاص داده و در آن از ارادت ورزی‌های خواجوی کرمانی، سید شمس‌الدین یزدی، زرکوب شیرازی، جلال‌الدین مسعودشاه اینجو، شاه شیخ ابواسحاق اینجو، و نیز شمس‌الدین محمد حافظ شیرازی یاد کرده است. ذکر شیخ امین‌الدین در غزلیات حافظ آنجا اهمیت می‌یابد که بدانیم حافظ به ندرت از صوفیه به نیکی یاد کرده و حتی از مشایخ زمانه خود چون عماد فقیه و شاه نعمت‌الله ولی با کنایه و تعریض سخن می‌گوید، اما در باب شیخ امین‌الدین، پس از ذکر تمهیدی، می‌فرماید:

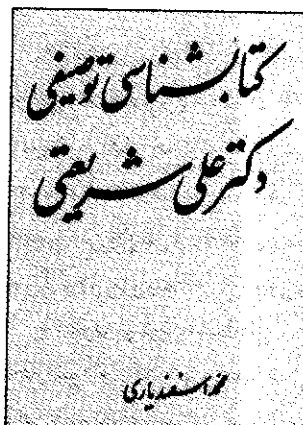
به عهد سلطنت شاه شیخ ابواسحاق
به پنج شخص عجب ملک فارس بود آباد...
دگر بقیه ابدال شیخ امین‌الدین
که یمن همت او کارهای بسته، گشاد

در پایان این معرفی کوتاه، توجه شما را به بخشی از نامه شیخ به یکی از مریدان، جلب می‌کنیم:

«... اگر می‌خواهد که از طریقه سالکان راه دین برخوردار باشد، باید که همواره خصم نفس خویش باشد و بساط خوش زیستن به یکبارگی در نوردد و خنده و مزاح را به حکم تعظیم حق تعالی - جل جلاله - بکلی ترک کند و از آن دوری جوید و خانه عافیت را به آتش بلا بسوزاند و هیچ لباسی به آرزو نپوشد و هیچ خوردنی به شهوت نباید خورد و درخت رسم و عادت از بیخ بر باید کند و امرهای خدای تعالی - جل شأنه - بزرگ باید داشت و از هر چه نهی فرموده، احتراز باید کرد. و این راه به سلامت باید رفت تا خلق زبان ملامت بدین طایفه نگشایند که بدان سبب بدگمان گردند و در قیامت بدین واسطه درمانند. و خاک بی‌مرادی بر سر اختیار خود باید ریختن و از مراد خویش دیده باید دوختن. و می‌باید که هر چیزی که دیگران در پی گرفتن آن باشند، او در پی گذاشتن باشد. و هر گوستی که در زمان غفلت و کاهلی در جسم بار آمده باشد، این ساعت به گرسنگی و ریاضت و مجاهده از خویش کم باید کردن. و هر چه از بهر خویش حاصل کند به دیگری ارزانی باید داشت. و هر رنج و زحمت که از خلاق به او رسد، به جان و دل، صادقانه آن رنج‌ها را تحمل کند و صبر تمام به جای آورد و به هیچ کس از خلاق شکایت نکند و در حضرت حق - سبحانه و تعالی عز شأنه و عظم سلطانه - از آن هیچ گله نکند و در حق ایشان دعای بد نکند و در هر دو جهان آن را باز خاطر نیآورد و تکرار آن باز نکند و اگر چه دیگران مجرم باشند، او خود را مجرم داند. و رونده این راه باید که طناب نیاز در گردن خویش اندازد و خاک قدم جمله مخلوقات باشد. و مناجات او با حضرت عزت چنین باشد که گوید: الهی توبه کردم از آن خلافتی که میان من و تو بوده است. به فضل و کرم خود مرا از من نگاه دار که من بی مدد فضل تو خود را از شر نفس خود نگاه نتوانم داشت. و می‌باید که در همه ساعات روز و شب از طاعت نیاساید تا این معنی او را غذا شود و در بی‌مرادی خو کند و دشمنی دنیا او را حاصل گردد و از صحبت خلق، ملال گیرد و مرگ بر روی آسان گردد. والسلام.»

کتابشناسی توصیفی دکتر علی شریعتی، محمد اسفندیاری، چاپ

اوّل: قم، نشر خرم، ۱۳۷۷،
وزیری، ۴۸۱ص (باتصویر).



در این چند دهه اخیر درباره دکتر علی شریعتی - به گواهی کتاب هایی که در همین کتابشناسی معرفی شده اند - بیش از هر شخصیت دیگری سخن گفته اند. تفاوت دکتر شریعتی با دیگر شخصیت های معاصر این است که در جنبه های

گونگونی از اندیشه مذهبی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و حتی ادبی اظهار نظر کرده و در برخی از این زمینه ها، اندیشه های ویژه و مخصوص به خود داشته است. آرای ویژه او درباره بازسازی چهره های راستین دین، لایه های بیرونی مذهب، امامت و رهبری، تشیع صفوی، روحانیت، مسؤلیت روشنفکران مسلمان، بازگشت به خویشتن، و ... طیف وسیعی از میان نسل جوان را به دور او گرد آورد و البته مخالفان سرسختی را نیز به نگارش و خطاب علیه او واداشت. وجود این موافقان و مخالفان و نگارش نزدیک به هزار رساله و کتاب در این باب (صرف نظر از حجم گسترده مقاله های چاپ شده)، خود گواه صادقی است بر تأثیر فراگیر این اندیشه ها بر ذهن و زبان نسل انقلاب.

بسیار بایسته می نمود که این کتب و رسائل به نیکی گزارش شوند تا آنچه را برخی «وسعت تأثیرات فکر» دکتر شریعتی می خواندند، هر چه مستندتر، بررسی شود. نیز لازم بود که این گزارش - بی آنکه رنگی از نفی و اثبات یک جانبه داشته باشد - صرفاً بیان واقع و توصیف مکتوبات باشد تا ارزش تاریخی خود را در بررسی روند اندیشه معاصر ایران، از دست ندهد.

خوشبختانه این هر دو بایست، در کتابی که جناب محمد اسفندیاری در این زمینه فراهم آورده اند، صورت تحقق یافت و «کتابشناسی توصیفی دکتر علی شریعتی» بی هیچ جانبداری و شتابزدگی این خلاً کتابشناختی را پر کرد و بدین ترتیب کتابشناسی سومین معمار اندیشه «نوگرایی اسلامی» (پس از سید جمال الدین اسدآبادی و محمد اقبال لاهوری) انتشار یافت. گردآورنده این کتابشناسی خود در مقدمه گویای کتاب، درباره درونمایه و آیین تدوین این مجموعه، سخن گفته است. برخی از ویژگی های این کتابشناسی را با استفاده از مقدمه کتاب می توان چنین خلاصه کرد:

۱. این کتابشناسی، تنها توصیفی است و در آن از انتقاد و

تحلیلی در مورد کتاب ها پرهیز شده است.

۲. در توصیف کتاب ها - گاه با نقل قول مستقیم از متن

کتاب - خلاصه ای گویا (در چند سطر) از محتوای آنها ارائه شده است؛ با این امتیاز که تمامی کتاب های معرفی شده را، پژوهشگر کتابشناس، خود مستقیماً گزارش کرده است.

۳. مبنای این کتابشناسی برای معرفی «کتاب»، تعریف یونسکو و دیگر نهادهای فرهنگی نبوده و آثار کمتر از چهل و نه صفحه و حتی جزوه ها و رساله و ... نیز معرفی شده است.

۴. زبان این کتابشناسی، فارسی و عربی است و تنها کتاب هایی که به فارسی یا عربی بوده اند، گزارش شده اند.

۵. این کتابشناسی، مشتمل است بر معرفی کتاب هایی که در ایران منتشر یا پخش شده است.

۶. تمام کتاب هایی که حتی نزد اهل خرد مطرود و مخدوش محسوب می شوند، در این مجموعه معرفی شده است. البته باید توجه داشت که تاریخ خاتمه این کتابشناسی پایان خرداد ۱۳۷۶ است.

۷. کتابشناسی حاضر به دو بخش تقسیم شده است: الف) منابع اصلی؛ ب) منابع فرعی.

در بخش اول به معرفی کتاب هایی پرداخته شده که یکسره درباره شریعتی است و در بخش دوم کتاب هایی معرفی شده که پاره ای از آن (اگر چه یک بند و در صورتی که مهم بوده، کمتر از آن) درباره او است. نویسنده کتاب یادآور شده اند که گاه برخی از منابع فرعی مهم تر و مفصل تر از منابع اصلی است؛ مثلاً برخی از منابع اصلی کمتر از پنجاه صفحه و برخی از منابع فرعی بیش از پنجاه صفحه است و گذشته از مفصل تر بودن، مهم تر از آن است. بدین دلیل بخشی از این کتابشناسی به معرفی منابع فرعی (غیر مستقل) اختصاص داده شده است.

۸. در بخش معرفی منابع فرعی، کتاب هایی نیز که به شریعتی هدیه شده و نیز آن بخش از کتاب های دکتر شریعتی که حاوی کاری هنری درباره شریعتی و یا توضیحی از سوی ناشر یا فرد دیگری بوده، معرفی شده است.

کتابشناس سختکوش برای فراهم سازی این کتابشناسی راهی بس دشوار پیموده و از سنگلاخ های ناهموار گذر کرده است. او خود در مقدمه درباره برخی از این مشکلات چنین نوشته است:

«... مشکل دیگر این بود که شریعتی در بسیاری از مسائل اسلامی، مانند توحید و نبوت و خاتمیت و امامت و شفاعت و غیره، سخن های جدید و ویژه ای گفته و لازم بود که همه کتاب هایی که درباره این مسائل منتشر شده است، ملاحظه شود تا اگر در آنها اشاره ای به سخن های شریعتی شده باشد، ضبط و ثبت

دکتر شریعتی نظری بیفکنیم:

«و اما ... برادر! من به اندازه‌ای که در توان داشتم و توانستم در این راه رفتم و با اینکه هرچه داشتم فدا کردم، از حقارت خویش و کار خویش شرم دارم و در برابر خیلی از «بچه‌ها» احساس حقارت می‌کنم. در عین حال، لطف خداوند به کار ناچیز من ارزش و انعکاسی بخشیده است که هرگز بدان نمی‌ارزم و می‌بینم که: «کم من ثناء جمیل لست اهلاً له نشرته». و اکنون بدترین شرایطی را که یک انسان ممکن است بدان دچار شود می‌گذرانم و سرنوشتی جز مرگ یا بدتر از مرگ ندارم. با این همه تنها رنجم این است که نتوانستم کارم را تمام کنم و، بهتر بگویم، ادامه دهم؛ و این دریغی است که برایم خواهد ماند. اما رنج دیگرم این است که بسیاری از کارهای اصلی‌ام، به همان علت همیشه، زندانی زمانه شده و به نابودی تهدید می‌شود. آنچه هم از من نشر یافته، به دلیل نبودن امکانات و کم بودن فرصت، خام و عجولانه و پر غلط و بد چاپ شده است و تمامی آن را نه به عنوان کارهای علمی-تحقیقی، که فریادهایی از سردرد، نشانه‌هایی از یک راه، تکان‌هایی برای بیداری، ارائه طریق، طرح‌هایی کلی از یک مکتب، یک دعوت، جهات و ایده‌ها و، بالاخره، نوعی بسیج فکری و روحی در جامعه باید تلقی کرد. آن هم در شرایطی تبعیدی، فشار و توطئه، فرصت گذرا و حالتی که هر لحظه‌اش انتظار فاجعه‌ای می‌رفت. آنها همه باید تجدیدنظر شود. از نظر علمی، فنی شود و خورشت بخورد، غلط‌گیری معنوی و لفظی و چاپی شود.

اینک من، همه اینها را که ثمره عمر من و عشق من است و تمام هستی‌ام و همه اندوخته‌ام و میراثم را با این وصیت شرعی، یکجا به دست شما می‌سپارم و با آنها هر کاری که می‌خواهی بکن. فقط بپذیر تا سرنوشت سختی را که در پیش دارم بتوانم با فراغت دل بپذیرم و مطمئن باشم که خصومت‌ها و خیانت‌ها در محو یا مسخ ایمان و آثار من کاری از پیش نخواهند برد و ودیعه‌ام را به دست کسی می‌سپارم که از خودم شایسته‌تر است.

لطف خدا و سوز علی تو را در این سکوت سیاه به سخن آورد که دارد همه چیز از دست می‌رود. ملت ما مسخ می‌شود و غدیر ما می‌خشکد و برج‌های بلند افتخار در هجوم این غوغا و غارت بی دفاع مانده است. بغض هزارها درد مجال سخنم نمی‌دهد و سرپرستی و تربیت همه این عزیزتر از کودکانم را به تو می‌سپارم و تو را به خدا و ... خود در انتظار هرچه خدا خواهد.»
محمدرضا موحدی

شود. نویسنده بدین کار تن داد و این گونه کتاب‌ها را از نظر گذراند و لذا در کتابشناسی حاضر کتاب‌هایی چون تحقیقی درباره دعای ندبه، درست فهمیدن اسلام، فلسفه امامت و رهبری، کلیدهای فهم قرآن، غوغای سقیفه و غیره، که پاره‌ای از آنها درباره شریعتی است، معرفی شده است. مضافاً اینکه کتاب‌های دیگری هم معرفی شده که از عنوان و فهرست مطالب آن هرگز نمی‌توان حدس زد که در آن اشاره‌ای به شریعتی شده است. مثلاً چگونه می‌توان حدس زد که در یک ترجمه نهج البلاغه، یا در کتاب یادنامه محمد بن جریر طبری یا در کتاب هینوتیزم از کابوک و یا در کتاب کی یوکه گور (زندگی و آثار) و ... مطلبی درباره شریعتی آمده است؟! همچنین چگونه می‌توان حدس زد که در کتاب سوگند، که شامل چند کاریکاتور است و یا در کتاب دیوارها سخن می‌گویند که شامل چند تصویر است و یا در کتاب فهرست کتابخانه آستان قدس رضوی که در سال ۱۳۴۴ چاپ شده است، و ... نکته‌ای درباره شریعتی آمده است؟! همچنین چسان می‌توان حدس زد که در کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی در قم، کتابی با عنوان قضاوت مجتهدان وجود دارد که چاپ نشده و تنها یک نسخه از آن موجود است و هیچ مشخصات کتابشناختی ندارد و درباره دکتر شریعتی است؟! کاملاً پیداست که برای معرفی پانصد کتابی که در بخش منابع فرعی ذکر شده، هزاران کتاب تصفح شده و چندین کتابخانه زیر و رو گردیده است. از این رو، نویسنده کتاب به خواننده این اطمینان را می‌دهد که بی‌یقین و یا احتمال قریب به یقین، همه کتاب‌های مستقلاً که درباره شریعتی نوشته شده، در این کتابشناسی آمده است.

«کتابشناسی توصیفی دکتر علی شریعتی» افزون بر ویژگی‌های یاد شده - و بسیاری ویژگی‌های دیگر که نویسنده خود در مقدمه بدان اشاره کرده است - از این امتیاز بزرگ برخوردار است که مزین به بخشی از وصیت‌نامه دکتر شریعتی به استاد محمدرضا حکیمی است. نویسنده در توضیحی کوتاه درباره نحوه به دست آوردن این وصیت‌نامه، سخن گفته است. همچنین پس از اتمام کتابشناسی (در دو بهره)، طی پیوستی به روزشمار و سالشمار زندگی دکتر شریعتی پرداخته و با عنوان «دکتر شریعتی در تاریخ» شرحی تاریخی - و به دور از مجامله و تمجید - از زندگانی او را عرضه کرده است.

فهرست راهنمای کتاب نیز در راهیابی سریع به مطلب بسیار کارگشاست. پایان بخش کتاب، تصویر جلد کتاب‌ها و جزوه‌های معرفی شده در این کتاب است که برای نسل تازه به عرصه آمده، ارزش تاریخی خواهد داشت.

در پایان بی‌مناسبت نیست که به بخشی از وصیت‌نامه شرعی